

رساله ایقاظ

در مساوی بودن نماز جمعه با عید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَحْبِهِ الصَّالِحِينَ

اما بعد چونکه نماز عیدین در این زمان از برای بعض علماء اعلام اسلام مخفی و یا اشتباه شده و حال اینکه مساوی بودن نماز عیدین با نماز جمعه در شرایط و احکام واضح بوده در احادیث حضرات اهل البیت علیهم السلام و بلکه در فتاوی اساطین فرقه شیعه نیز ، و در این رساله این مطلب را در دو فصل بیان مینماید انشاء الله تعالی .

فصل اول در نقل احادیث معتبره است

حدیث اول در کتب اربعه از زواره روایت کرده اند که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که : هر که نماز عید را با امام بجا نیاورد پس از برای او نماز عید نیست و قضاء ندارد .

حدیث دوم در کتاب فقیه از زواره روایت کرده که آنحضرت فرمود که : در روز عیدین نماز نیست مگر با امام عادل .

حدیث سیم در کتاب ثواب الاعمال صدوق از ابن یحیی و زرارة روایت نموده که آنحضرت فرمود که نماز نیست در عید مگر با امام .

حدیث چهارم در تهذیب از محمد بن مسلم روایت کرده که از یکی از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام سؤال کردم از نماز عیدین ؟ فرمود نماز عید نیست مگر با امام .

حدیث پنجم در فقیه و تهذیب و ثواب الاعمال از سماعه روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نماز نیست در عیدین مگر با امام و اگر تنها نماز بگزاری پس عیب ندارد .

حدیث ششم در کتب اربعه از زراره روایت کرده‌اند که حضرت باقر علیه السلام فرمود که در روز عیدین اذان و اقامه نیست تا اینکه فرمود که هر که نماز نگذارد با امام در جماعت پس از برای او نماز و قضاء هم نیست .

حدیث هفتم در کتب اربعه از ابن یحیی روایت نموده‌اند که آن حضرت فرمود که : در عیدین نماز نیست مگر با امام .

حدیث هشتم در کتاب مقنع مرحوم صدوق روایت کرده که در عیدین نماز دو رکعت است و قبل از آن و بعد از آن چیزی واجب نیست و آن نماز نمیشود مگر با امام در جماعت و هر که نیابد امام را در جماعت پس از برای او نماز عید و قضاء نیز نیست .

حدیث نهم در کتاب دعائم الاسلام روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از کسیکه حاضر نشود بر نماز عید آیا جایز است که در منزل خود نماز گزارد؟ فرمود بلی و نماز عید نمیشود مگر با امام عادل .

حدیث دهم در کتاب فقه الرضا فرموده که در عید با امام در زیر آسمان باشی و بدرستی که نماز عید با امام فریضه است و نمیشود مگر با امام و با خطبه و هر که نیابد امام را در نماز عید پس از برای او نماز عید و اعاده نیست .

و در این احادیث مذکوره از کتب متعدده دلالت واضحه بوده بر اینکه نماز عیدین واجب است و باید با امام عادل در جماعت بوده باشد و بدون جماعت و امام عادل نمیشود ، و اینها همان شرایط نماز جمعه است بدون شک و شبهه در این شروط زیرا که در نماز جمعه اینها شرط است در احادیث متواتره و ذکر همه آنها يك رساله مستقل لازم دارد اغلب آن احادیث را در رساله قانون الاسلام ذکر کرده‌ام و در کتاب اثنا عشریه و قواعد الاسلام نیز نقل نمودم پس چنانکه نماز جمعه با امام عادل میشود و بغیر از امام عدل نمیشود همچنین در نماز عیدین با صراحت این ده حدیث مذکور بدون تردید از برای کسیکه این احادیث را ملاحظه نماید و حدیث دهم که در فقه الرضا است (فرمود که نماز در عید با امام فریضه است) و مثل این بوده .

حدیث یازدهم از جمیل بن دراج در فقیه و تهذیب روایت کرده‌اند که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نماز عید فریضه است و نماز کسوف فریضه است .

حدیث دوازدهم در تهذیب از ابو اسامه روایت کرده که آنحضرت فرمود که نماز عید و نماز کسوف فریضه است پس در این دو حدیث مثل حدیث دهم نماز عیدین را فریضه قرار داده و مثل نماز کسوف آفتاب بیان کرده و حال اینکه در این زمان در اغلب بلاد اسلام نماز عید فطر را می‌گزارند و نماز عید قربان را بجا نمی‌آورند و این اشتباه است و در حدیث دهم نیز فرمود نماز عید نمیشود مگر با خطبه و حال اینکه بعضی از نماز گزاران خطبه قرائت نمیکنند و نماز عید را با جماعت می‌گزارند و این نیز اشتباه است گویا که احادیث را ندیده در وجوب دو خطبه بعد از نماز عیدین و لازم بودن دو خطبه قبل از نماز جمعه بدون فرق در وجوب آنها چنانکه در احادیث بیان کیفیت نماز عیدین و نماز جمعه بیان فرموده‌اند .

حدیث سیزدهم نیز در فقه الرضا فرمود: بدان خداوند بر تو رحمت بکند بدستیکه نماز عیدین واجب است .

و در جای دیگر فرموده که نماز عیدین فریضه است و واجب بوده مثل نماز جمعه .

حدیث چهاردهم نیز در فقه الرضا فرموده: که نماز عیدین فریضه واجب است مثل نماز جمعه مگر بر پنج نفر که مریض و زن و عبد زر خرید و اطفال و مسافر است .

حدیث پانزدهم در فقیه و تهذیب از ربیع روایت کرده‌اند که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در سفر نماز جمعه و عیدین نیست .

و در این سه حدیث نماز عیدین را با نماز جمعه در [یک] حکم قرار داده‌اند پس نماز عیدین با نماز جمعه در یک حکم بوده مگر در آنچه خود صاحب شرع انور فرق بیان فرماید چنانکه در خطبه عیدین و جمعه در این حدیث فرموده .

حدیث شانزدهم فرموده که در تهذیب از زراره روایت کرده که بحضرت صادق

عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض نمودم که من امام را در خطبه عیدین دریافتم چه بکنم؟ فرمود مینشینی تا امام از خطبه فارغ شود و بعد از آن نماز عید را میگزاری گفتم قضاء شده اول نماز من بوده و یا آخر نمازم؟ فرمود بلکه قضاء شده نماز اول تو بوده و نیست این نحو قضاء مگر در این نماز عید گفتم پس چه را با امام دریافتم و چه را قضاء کردم؟ فرمود آنچه درك نمودی از فریضه پس آن اول نماز تو است و آنچه قضاء کردی آن آخر نماز تو بوده.

و در این حدیث در بین نماز جمعه و نماز عید فرق گذاشته در بودن خطبه عید بعد از نماز عید و بودن خطبه جمعه قبل از آن.

و نیز در این حدیث خطبه عید را فریضه قرار داده.

حدیث هفدهم در تهذیب از ابو بصیر روایت کرده که حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود زمانیکه اراده سفر نمودی در روز عید و صبح طلوع کرد و تو در بلد بودی پس بیرون تروی تا اینکه بر نماز عید حاضر شوی. و در این حدیث بیان فرموده آن حکم را که در نماز جمعه بوده زیرا که در روز جمعه سفر کردن جایز نیست مگر بعد از نماز.

حدیث هیجدهم در تهذیب از ابن سنان روایت کرده که حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله در نماز عید عمامه میگذاشت و قرائت نماز را جهر میکرد چنانکه در نماز جمعه میکرد و در این حدیث نیز فرق نگذاشته در میان نماز جمعه و نماز عید.

حدیث نوزدهم در فقیه از حلبی روایت کرده که حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در نماز عیدین فرمود: زمانیکه يك قومی در عید پنج نفر و یا هفت نفر شدند پس ایشان نماز را با جماعت میگزارند چنانکه در جمعه نیز این نحو میکنند. و در این حدیث نیز نماز عید را با نماز جمعه مساوی نموده برای هر قومی که پنج نفر و زیادتر شدند نماز را واجب قرار داده و این دلیل واضح است بر عدم شرط بودن امام معصوم در این نمازها چنانکه در نماز جمعه بیان کرده‌ام.

حدیث بیستم - در تہذیب از ابن قیس روایت کرده کہ حضرت صادق علیہ السلام فرمود اینست و جز این نیست کہ نماز عید از برای کسی درست است کہ بیرون برود بر جیبانہ و ہر کہ خارج نشود بر جیبانہ از برای او نماز نیست .

حدیث بیست و یکم - در فقیہ و تہذیب از ابن حمزہ روایت کردہ اند کہ آن حضرت فرمود کہ بیرون رفتن بر جیبانہ در عیدین خوب است از برای کسی کہ قدرت دارد بر رفتن گفتم اگر مریض شد و قادر نگردد آیا در خانہ نماز عید را بگزارد؟ فرمود نمیشود . و در این دو حدیث نماز عید را منحصر کردہ بکسی کہ در جیبانہ نماز می گزارد در یک شہر مثل مدینہ و اگر در یک بلد دو نماز عید ممکن بود و جایز بودہ چرا نماز منحصر شود بر جیبانہ، و حدیث رفتن حضرت امام رضا علیہ السلام بر نماز عید و برگرداندن مأمون آنحضرت را در کافی و غیر از آن روایت کردہ اند و ہر گاہ دو نماز عید در یک بلد مثل مرو جایز بود چرا مأمون دو نفر و سہ نفر از فقہاء خودشان را بر نماز عید در جای دیگر امر نکرد و منحصر نمود نماز را بیک نفر و آنحضرت را مانع شد از نماز گزاردن در شہر و خارج از مرو و این از واضحات است چطور مخفی مانده .

حدیث بیست و دویم - در تہذیب از محمد بن مسلم روایت کردہ کہ حضرت امام محمد باقر علیہ السلام فرمود کہ بحضرت امیر المؤمنین علیہ السلام عرض کردند چرا یک نفر را تعیین نمیفرمائید در شہر برای نماز عید و خودت بر صحرا میروی؟ فرمود کہ من بر طریقہ حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم مخالفت نمیکنم .

حدیث بیست و سیم - در دعائم الاسلام روایت نمودہ کہ بر حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام عرض کردند کہ امر فرمائید یک نفر باضعفاء مردمان در مسجد اعظم نماز عید بگزارد فرمود من مکروہ میدارم کہ کاری بکنم کہ حضرت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم نکرده است .

حدیث بیست و چہارم - در کتاب عاصم بن حمید از محمد بن مسلم روایت نمودہ کہ بحضرت امیر المؤمنین علیہ السلام عرض کردند کہ چرا یک نفر را تعیین نمیکند کہ باضعفای مردمان نماز عید بگزارد؟! فرمود کہ من مخالفت نمیکنم بر طریقہ حضرت

رسول الله ﷺ .

و در این سه حدیث در کتب متعدده بیان کرده که در يك بلد و توابع آن دو نماز عید نمیشود و آن خلاف طریقه حضرت رسول الله ﷺ است و از این احادیث واضعتر چه خواهد شد در جایز نبودن دو نماز عید در يك بلد ؟ ۱۱۹

حدیث بیست و پنجم - و نیز در کتاب دعائم الاسلام روایت کرده که حضرت صادق عليه السلام در نماز عیدین فرمود که زمانیکه مردمان در آن روزها پنج نفر و زیادتیر بودند با امام در يك بلد پس بر ایشان واجب است نماز جمعه و نماز عیدین .

حدیث بیست و ششم - و نیز در کتاب دعائم روایت کرده که امام محمد باقر عليه السلام در روز عیدین و جمعه عرض میکرد خداوند «من تهيأ تعباً» تا آخر دعا در این دو حدیث عیدین را با جمعه در حکم مساوی قرار داده است .

حدیث بیست و هفتم - نیز در آن کتاب از امام جعفر صادق عليه السلام روایت کرده در آیه «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد» که فرمود این زینت در عیدین و جمعه است .

حدیث بیست و هشتم - در آن کتاب از آن حضرت روایت کرده در این آیه که فرمود این اخذ کردن زینت در دو عید و جمعه بوده .

حدیث بیست و نهم - در مجمع البیان در این آیه از حضرت امام محمد باقر عليه السلام روایت کرده که مراد زینت کردن است برای نماز جمعه و نماز عیدین و در این احادیث در تفسیر این آیه نماز عید را با نماز جمعه در يك حکم قرار داده .

حدیث سیام - در تهذیب از ابن سیاب روایت کرده که حضرت صادق عليه السلام فرمود که بر رئیس مسلمانان واجب است بیرون فرستادن زندانیان را در روز جمعه بر نماز جمعه و در روز عید بر نماز عید و بعد از نماز ایشان را بر می گرداند بر زندان .

حدیث سی و یکم - در کتاب علل و عیون از ابن شاذان روایت کرده که حضرت امام رضا عليه السلام فرمود علت اینکه خطبه نماز جمعه قبل از نماز است و خطبه نماز عید بعد از نماز بوده اینست که جمعه در هر ماه و سال چند مرتبه واقع میشود

و زمانیکه زیاد تر شد مردمان ملول میشوند و ترك میکنند آنرا و عید در هر سال دو مرتبه واقع میشود و مردمان بر آن رغبت مینمایند، اگر بعضی از آنها رفت اکثر ایشان باقی بوده‌اند.

و از این حدیث نیز معلوم میشود که حکم نماز عیدین با نماز جمعه یکی است و فرق آنها در تقدیم و تأخیر خطبه است و بالجمله از این احادیث مذکوره از اول تا آخر معلوم شد که حکم نماز عیدین مثل نماز جمعه است در وجوب و شرایط از بودن نماز با امام جماعت بشرط عدالت چنانکه در نماز جمعه بیان شده و دلیل بر این تعلیم کردن حضرات امامان اهل البیت است احکام و شرایط جمعه و عید را بر امام جمعه و امام نماز عید.

و شرط دویم قرائت دو خطبه است در این نمازها.

و شرط سیّم جمع شدن پنج نفر و زیادتر در اینها در يك بلد.

شرط چهارم بودن يك نماز است در يك بلد و بدعت بودن دو نماز است در يك فرسخ در حالتی که يك نماز اقامه شود چنانکه در احادیث مذکوره از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گذشت و غیر از اینها از شرایط و هر یکی از این شروط از احادیث مذکوره معلوم میشود بشرط ملاحظه احادیث وارد شده با دقت در آنها و دلالت آنها و از خداوند تعالی توفیق و هدایت را التماس مینمایم.

فصل دویم

در نقل کلمات علماء اعلام اسلام است در نماز عیدین

پس بدان که مرحوم محقق بحرانی در کتاب حدایق فرموده :

مسئله چهارم اینست که ظاهر اصحاب اتفاق است بر سقوط نماز عیدین از کسیکه نماز جمعه از او ساقط است و مرحوم علامه در کتاب تذکره فرموده که نماز عیدین واجب است بر آن کسی که نماز جمعه بر او واجب بوده در نزد جمیع علماء شیعه .
و در کتاب منتهی فرموده که ما در این حکم مخالف را نمیدانیم (تمام شد کلام او) و قبل از این در حدایق فرموده .

سیم از شرایط نماز عیدین بودن آنست با جماعت و گذشت آن در احادیث که دلیل بوده بر این شرط و چهارم از شروط نماز عیدین وحدت نماز است در يك بلد .

و صاحب کتاب مدارك فرموده که ظاهر اصحاب شرط بودن وحدت نماز است زیرا که مساوی بودن نماز عید را با نماز جمعه در شرایط بیان نموده‌اند و نقل شد از علماء حلب تصریح کردن را بر این شرط و دلیل آورده‌اند بر این شرط وحدت نماز عید در يك بلد که نقل نشده از حضرت رسول الله ﷺ که در زمان آنحضرت دو نماز عید در يك بلد بوده باشد چنانکه نقل نکرده‌اند که دو نماز جمعه در يك شهر شده و دلیل بر این وحدت نماز عید آنچه است که محمد بن مسلم از امام محمد باقر روایت کرده که بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند که چرا کسی را تعیین نمیکنی از برای نماز عیدین در شهر؟ فرمود که من مخالفت نمیکنم بر طریقه حضرت رسول الله ﷺ .

تا اینکه در حدایق فرموده در بیان دلیل علماء حلب: پس واجب است عمل کردن بر آنچه از حضرات امامان اهل‌البیت معلوم شده با قول و یا عمل و نهایت آنچه فهمیده میشود از احادیث جایز بودن يك نماز عید است در شهر و توابع آن تا يك فرسخ پس نماز دویم در مسافت يك فرسخ و شرعی بودن آن محتاج است بر دلیل و این حکم درست و صحیح است و دلیل بوده با دلالت واضحه که مخفی نیست تا اینکه فرموده شرط پنجم نماز عید قرائت دو خطبه است .

و شیخ طوسی مرحوم در کتاب مبسوط در باب نماز عیدین فرموده که شرط نماز عیدین همان شرط نماز جمعه است در وحدت نماز و خطبه و غیر از آنها .

و از این فرمایش آن مرحوم ظاهر است شرط بودن دو خطبه در نماز عیدین و بر این شرط قائل شده ابن ادریس و علامه در کتاب منتهی زیرا که فرموده دو خطبه واجب است مثل وجوب آنها در نماز جمعه و نمیدانیم خلاف را در میان مسلمانان در بودن این دو خطبه بعد از نماز مگر از بنی امیه (تمام شد کلام او) .

و مرحوم صاحب حدایق بعد از کلمات بسیار در شرایط نماز عید فرموده و بالجمله آنچه علماء زمان ما میکنند از اقامه چند نماز عید در يك بلد پس از برای آن جهت صحت نیست بر هر دو قول .

اما بنا بر قول مشهور از شرط بودن امام معصوم در وجوب آن پس بنا بر این قول نماز عید در این زمان مستحب بوده .

و بر این ایراد وارد میشود بر اینکه اولاً با تسلیم این قول که اصلی ندارد پس نهایت آنچه بر آن دلالت کرده احادیث استحباب نماز عید است فرادی و تنها نه با جماعت چنانکه تحقیق این گذشت خصوصاً با دلالت احادیث بسیار بر عدم شرعی بودن نماز جماعت در نماز مستحب مگر در موارد مخصوصه و این نماز عید از آنها نیست و اما بنا بر قول مختار از وجوب این نماز در حال غیبت عیناً و درست بودن آن با امام جماعت و ممکن شدن دو خطبه و جمع گردیدن هفت نفر با عدم خوف و بودن نماز در مسافت يك فرسخ پس واجب عینی میشود بر همه مسلمانان و زمانی که اقامه شد واجب میشود بر هر که در يك فرسخ است رفتن بر آن نماز و حاضر شدن در آن و چطور جایز میشود این نماز دو مرتبه در يك بلد و یا مستحب بودن در این حالت و اگر فرض شود ماندن بعضی از مردمان از جهت عذری و یا غیر از عذر پس نهایت آنچه دلالت دارد بر آن احادیث پس آنکس فرادی نماز عید را میگزارد .

و بالجمله در نماز عیدین حکم آنست که در نماز جمعه بوده مگر اینکه در نماز عید مستحب است فرادی با عدم درك نماز جماعت و یا عذری در حاضر نبودن بر آن و اما در فرض عذر نماز را با جماعت کردن پس چنانکه در جمعه حرام است در يك بلد دو نماز بعد از اقامه شدن نماز اول هکذا حرام است نماز دویم در عیدین بعد از اقامه شدن آن در بلد در اول و از جهت این بوده که ما در اول طلوع آفتاب نماز عید را میگزاریم تا اینکه نماز ما صحیح شود و نماز دیگران باطل گردد (تمام شد کلام آن محقق ماهر طاب ثنواه) و چه خوب بیان فرموده و احادیث را شرح

کرده و حق را گفته و تحقیق و تدقیق نموده و جای شك و شبهه نگذاشته .
 و حضرت آیه الله هبة الدین علامه شهرستانی دامت افاداته در رساله وجوب
 نماز جمعه عیناً در زمان غیبت با دلائل واضحه فرموده که آنچه ما در وجوب نماز
 جمعه گفتیم در خصوص نماز عیدین نیز گفته میشود و چیزی که هست نماز عیدین با
 نماز جمعه از چند جهت فرق دارد .

اول از جهت تأخیر خطبه از دو رکعت نماز عیدین .

دویم در اینکه وقت نماز عیدین ما بین طلوع است تا زوال شمس .

سیم در اینکه قنوت یکی است در هر رکعت از نماز جمعه و اما در نماز

عیدین پس در رکعت اول پنج قنوت است و در رکعت دویم چهار قنوت بوده (تمام شد
 کلام آن فیلسوف ربّانی) .

و از آنچه حقیر در این رساله نقل نمود از احادیث و کلمات علماء اسلام واضح

شد وجوب نماز عید و بودن آن مثل نماز جمعه در شرایط مگر در بعض از آنها و از
 خداوند توفیق و تأیید التماس مینمایم .

تمام شد در دهم شوآل ۱۳۶۷

ولله الحمد



چاپ این کتاب در دوشنبه ۲۷ ربیع الاول ۱۳۸۸

برابر با ۳ تیر ماه ۱۳۴۷ خورشیدی

بانهجام رسید